

رهایی زنان

امریکایان است



کومه له - کمیته تشکلات محفی

رهایی زنان امرکارگران است

آیات بحال دربارۀ وضعیت زنان در جامعه
و در خانواده فکر کرده‌اید؟ شما چه مرد باشی و چه
زن در اطراف خود شاهد موقعیت زنان در خانواده و
جامعه هستید وستمکشی زنان و نابرابری‌های آنان
در جامعه، درون خانواده و در زمینه حقوق فردی بر
هیچیک از شما پوشیده نیست.

این نابرابری‌ها وستمکشی از همان ابتدای
زندگی گریبان زنان را میگیرد. در میان خانواده-
ها و مردان اگر داری فرزند پسر شوند خوشحال‌اند،

در مقابل ازدا شدن فرزند دختر، اگر شرمسار
نباشند، گویی چیزی را از دست داده‌اند، از همان
ابتدای کودکی دختران خردسال و زنان آینه‌ده
باید برای انجام کار خانگی و خانه‌داری تمرین
کنند، با عروسی بازی می‌کنند و در نقش مادر
ظاهری شوند. با تشویق مادر و خانواده تحت نظر
مادر لباس می‌شویند، جارومی‌کنند، غذا
می‌پزند و در واقع برای پذیرفتن نقش آینه‌ده‌شان
یعنی شوهرکردن، بچه‌دار شدن و تیمارداری
خانواده آماده می‌شوند. در بسیاری از خانواده‌ها
حتی پسر بچه‌ها از انجام کار در خانه خود بخود معافند،
در عوض، در کوچه و خیابان و اجتماع ظاهر می‌شوند،
انواع کارهای پیچیده و فنی را انجام می‌دهند و
قدرت هوش و ابتکار آنها رشد کرده و بکار می‌افتد.
دختر از سواد، آموزش و فرهنگ محروم می‌ماند،
در پوشیدن لباس بدلخواه خود و در مراد و ادات
مناسبات اجتماعی با دیگران محدود است حتی اگر
در انتخاب همسر آینه‌ده‌اش هم آزاد باشد و اجباری

در اینکار رنبا شد بدلیل همین محرومیت‌ها و محدودیت‌های اجتماعی نمیتوانند بدین‌صورتی تصمیم بگیرند. اختیارنداردهیج کاری را بدون اجازه پدر، برادر و همسرشانجام دهد. روابط اجتماعی پوشیدن و مسافرت کردنش و... همه باید با اجازه مردان باشد. در خانواده از همان ابتدا پسر بچه عزیزتر و دختر بچه مورد بی‌مهری است. نه فقط عواطف که حتی امکانات مالی و اقتصادی خانواده هم به یکسان در بین پسران و دختران خانواده تقسیم نمیشود. فرهنگ مسلط بر جامعه فرهنگی پدرسالارانه است و همه افراد در متن چنین فرهنگی می‌آموزند و تربیت می‌شوند. از همان ابتدا آموزش مدارس این را می‌آموزند که زن و مرد فقط در نزد خدا برابرند و در بقیه جاها در روی زمین خاکی زن با پیدا ز مرد حساب ببرد، زن شیطان است، دروغگوست، عقلش ناقص است، بدنش هم ناقص است. تا سال‌های بلوغ همه پسرها با حقوق خود

آشنا شده اند و بسیاری از پسران نابالغ به آسانی خواهان شوهر کرده شان را استنطاق می کنند و کتک می زنند. راه فرار برای دختران پذیرش انقیاد مردی دیگر یا فقر و بدنامی است. در باره این تبعیض و بی حقوقی بسیار میتوان گفت و نوشت اما خلاصه بگوییم که بسیاری از کارگران مردوزن هم مثل بقیه اعضا جامعه این فرودستی و ستمگشی زنان را پذیرفته اند. سنتهای مردانه و مردپرستانه در خانواده ها و در میان مردان همواره عرصه زندگی را بر زنان تنگ می کند. این عقیده که زنان ناقص العقل و ضعیف اند همواره و هر روز و هر ساعت با هزاران ابزار بازناتولید میشود و وسیعاً در میان مردم وجود دارد.

اما واقعیت چیست؟ آیا چنین است؟

قبل از این که به این سوالات پاسخ دهیم ببینیم که وضع زنان در جامعه چگونه است؛ تبعیض و نابرابری حقوق زنان با مردان در جامعه و تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی سرما به داران

چگونه است ؟

تبعیض میان زن و مرد در جمهوری اسلامی بیش از پیش چهره^۶ کریه خود را به نمایش گذاشته است و نابرابری زنان با مردان در همه^۷ امورات زندگی بیسابقه است. در خدمت به منافع سرمایه، حکومت اسلام قبل از همه چیز زنان را با توسل به قوانین مذهبی از همه^۸ حقوق اجتماعی شان محروم کرد و آنان را به پست ترین موقعیت راند. در پرتو قوانین الهی و در بر آوردن نیازهای سرمایه داری زن آشکارا مقامی پست تر از مرد دارد. زنان در اسلام بردگان مردانند و با مطیع آنان باشند. در خانواده مردان حکم می رانند و می توانند برای مطیع کردن زنان آنها را کتک بزنند. زن جزء ما یملک مرد است و آن را به مهر میخرند و میفروشند دختران آن پدر و متعلق به شوهر است. زن نه یک انسان بلکه ما در بچه های مرد است. پدر و لسی و سرپرست فرزندان است و ما در هیچ حقی ندارد. زن بدون اجازه^۹ شوهر حق کار کردن و حتی حق خارج

شدن از خانه را ندارد. زن حق جدا شدن از همسرش را ندارد و در عوض مردم میتوانند زنش را بدون هیچ دلیلی حتی در غیاب خود طلاق دهد. در اسلام حاکم شرع مرد است، قاضی مرد است، فقیه مرد است، زن نصف مرد ارث میبرد، شهادت زن اعتبار ندارد و اگر هم داشته باشد با ندارد. زن نصف یک مرد است. مردان در رابطه داشتن با زنان متعدد و مختلف کاملاً آزادند. در مقابل زنان محروم از حتی حق انتخاب یگانه شوهر خویش اند. در قوا نین جزای اسلام درباره زنا، ستمکشی و فرودستی زن و تملک مرد نسبت به زن بخوبی آشکارا است. در بهشت اسلام به مردان، حوریان و زنان بسیار وعده داده شده است، آخر زن در اسلام، اسباب لذت رساندن به مرد است.

تحقیق و خواری زنان بصورت امری عادی و روزمره در آمده است. اجرای لایحه قصاص و سنگسار کردن زنان بر اساس شرع اسلام با سر بلندی تمام اعلام میشود. گذشته از جدا کردن مدارس دختران از

پسران و آموزش کتابها و مواد درسی جداگانه ، در مدارس دخترانه با دانش آموزان چنان رفتار میشود که گویی نفس بمدرسه رفتن آنان گناه بوده است . آنان باید بهزارویک بهانه واهی بخاطر خندیدنشان ، نشست و برخواستشان ، دویدن و ورزش کردن و بلسند حرف زدنشان و دراصل بخاطر همان گناه اصلی شان یعنی زن بودنشان کیفر ببینند ، تنبیه شوند و مورد تحقیر و خواری قرار گیرند .

زنان اولین قربانیان بیکار سازیها و اخراج های دسته جمعی بودند و رسماً فاقد قابلیت کار برابر با مردان اعلام شدند و زنانی هم که بر سر کار ماندند ، با زنانه و مردانه کردن محیط کار ، مانند زنان خلوتخانه ها و حرم سراها از مردان همکارشان در کار خانات و ادارات جدا شدند . زنان ایزار بیچون و چرای تمتع و لذت مردان و کارگری جیره و مواجب خانوادده تعریف شده اند و جزاین دیگر هیچ خاصیتی برای آنان قایل

نیستند، سرمایه داری با اتکا به احکام اسلام زنان را ناقص العقل اعلام نمود و نقش دستگاره تولید مثل اختصاصی را برای آنان برسمیت شناخت، زنان کارگر به خانه ها پس فرستاده شدند تا نقش کامل مستخدم سرمایه دار در خدمت به مرد کارگر و بار آوردن نسل آینده^۶ کارگران را بصورت بی جیره و مواجب برعهده بگیرند و بورژوازی بدین وسیله معیشت نیمی از طبقه کارگر (زنان) را بر معیشت فلاکت زده^۶ نیم دیگر (یعنی مردان) تحمیل نمود.

اما سئوالی مطرح است و آن اینست که چرا جمهوری اسلامی اینچنین سرسختانه قوانین اسلام درباره زنان را تمام و کمال به اجرا درمی آورد؟ چرا در مورد امور مربوط به زنان انعطافی بخرج نمی دهد و از همه احکام اسلام همین یکی را سرسختانه چسبیده و رها نمی کند؟

اجازه بدهید قبل از این که به پاسخ این سوال بپردازیم نگاهیم به نقش و موقعیت اجتماعی زنان

در تولید و جا معه بیفکنیم، سپس به پا سخگویی به
 سوالاتی که تا کنون طرح کرده ایم می پردازیم .
 واقعیت اینست که زنان علیرغم ابتلا د
 گسترده ستمکشی و نابرابریها و بیحقوقی ها ،
 پای پای مردان در تولید شرکت دارند . زنان در
 کارخانه ها ، مجتمع های بزرگ تولیدی ، کارگاهها
 کوره خانه ها ، ادارات و موسسات مختلف کار میکنند .
 در روستاها در انواع کارهای شاق مزرعه داری ،
 باغداری ، کشاورزی ، دامداری و ... شرکت
 دارند . زنان چه در شهر و چه در روستا علاوه بر انجام
 کارخانگی ، برای تامین معیشت شان به تولید
 خانگی (ریسندگی ، قالیبافی ، پختن نان و ...)
 مشغولند . ما بعینه شاهدیم که زنان در رنج و
 زحمت کشیدن و کار کردن نه تنها با مردان برابرند ،
 بلکه چه بسا که بیش از آنان کار می کنند و در رنج
 می برند . زنان شاغل و کارکنی که از ابتدا بی ترین
 حقوق بی بهره اند ، در طول دوران حاملگی ،
 زایمان و پس از آن گویی هیچ اتفاقی در

زندگیشان نیفتاده، درکارخانه، کارگاه، درکوره
ومزرعه و باغ، بارسنگین بلندی کند، ساعت‌های
متوالی با پشت خم شده کار می‌کنند، غذای کافی
نمی‌خورند، انواع کارهای خانه را انجام می‌دهند
و دم‌برنمی‌آورند و با مصیبت‌ها را در خلوت خود
تحمل می‌کنند. پس از زایمان نیز (اگر در
کارخانه‌ها و ادارات، شاغل باشند) پس از مرخصی
زایمان (بزودی بر سرکار حاضر میشوند. فاقد
کمترین امکانات برای نگهداری از فرزندان
اند. از امکان استفاده از مهدکودک و شیرخوارگاه
زمان لازم برای شیردادن به فرزند خود محروم
هستند. زنان شاغل در انواع کارهای تولیدی
شرکت‌دارند و بسیار بیشتر از مردان بارسنگین
کارشاق، ساعات متوالی کار بدون خواب و
استراحت را بردوش‌دارند. اما در اثناء این کار
دستمزدشان از همکاران مردشان که همان اندازه
کار می‌کنند کمتر است. از حقوق مادری مانند
مرخصی زایمان، مهدکودک و شیرخوارگاه

بی بهره‌اند. در معرض انواع تحقیق و خواری قرار
میگیرند و با تنی لاغر و رنگی پریده مبتلابه انواع
بیماریهای مزمن زنانه، خونریزیها، درد
پشت و کمر، پیکری تکیده، زندگی پررنج و زحمت
خود را سپری می‌کنند.

به‌کار روزندگی زنان کارگر کوره‌خانه‌ها و
زنان قالی‌باف‌نگاه‌کنیم تا وضعیت واقعی زنان
ستم‌دیده را تحت نظام استثماری ما رگرسی ما ببینیم
بخوبی ببینیم و قضاوت کنیم که آیا زنان
ضعیف‌تر از مردان‌اند؟ آیا زنان ضعیف‌تر از
العقل‌اند؟ و آیا واقعاً زنان نمی‌توانند با
مردان برابر باشند؟ ما صبر کنید هنوز به‌تاما
وضعیت و موقعیت واقعی زنان را ندیده‌ایم: به
گوشه‌ای دیگر از کار زنان در جامعه و خانوادها
میرسیم، یعنی به‌کار خانگی زنان، خانوادها
بطور طبیعی و عادی وظیفه زنان محسوب میشود،
زن صبح سحر از خواب بیدار میشود، شستشو و رفت
روب میکند، درصفاهای طویل‌نان و گوشت و نفت

و آب و ... می ایستد، با رسنگین بلند می کند ،
ظرف های سنگین آب را حمل می کند، از بچه ها
نگه داری کند و اگر در روستاست همه این کارها را
با سختی و مشقت بیشتری انجام میدهد. درجا معده
سرما پیه داری هیچکس زن خانه دار را بیکار بحساب
نمی آورد چرا که زنان در خانه بیکار نیستند. شاید
بتوان گفت کاری که در خانه به آنها تحمیل شده
طاقت فرسا تر از تصدی بسیاری از مشاغل رسمی
است. بخش اعظم زنان را زنان کارگرو زحمتکش
تشکیل میدهند و بخش اعظم کار آنها صرف نگهداری
از شوهر و فرزندان یعنی آمادگی بکار کردن کارگران
امروز و فردا می شود. زن خانه همیشه غذا تهیه
می کند اما شوهر و فرزندان کارگر خود را همیشه در
خانه گرسنه می بینند، او همیشه لباس می دوزد و
می بافد و وصله می کند اما همیشه افراد خانواده را
مندرس و ژنده می بینند. اما رخت و لباس میشوید
اما همیشه لباس ها کثیف اند. اما زنان آوران و
افراد خانه را تیمار و نگه داری میکنند اما همیشه

آنها در خانه خسته و بی‌مق و نحیف اند. هر روز
بخریدمی رود اما هر شب سفره خالی است. او هر روز
و هر روز این کارها و دهها کار دیگر را تکرار میکند
اما گویی اینکارها پایان و حاصلی ندارد.
آیا کار او بی‌حاصل و بی‌ثمر است؟ خیر! شمرهٔ کار
خسته‌کننده و ملال‌آور هر روز او، توان و نیروی
همسر فرزند و زحماتکش او و میشود که هر روز بهنگام کار
تحویل سرمایه‌داری گردد.

سرمایه‌دار، هزینهٔ زنده ماندن طبقه کارگر
را می‌پردازد و در عوض محصول کار او را تصرف میکند
و این منشاء سود سرمایه‌دار است. سرمایه‌دار مزد
کارگر را در اصل قیمت کارهای او و خدماتی که کارگر
برای زنده ماندن به آنها احتیاج دارد را به‌نرخ
بازار به کارگر نمی‌پردازد بلکه عملاً قیمت مواد
اولیه آنها را می‌پردازد و می‌گذارد که زن بیاخواهد
و یا مادر کارگر در خانه این مواد را برای مصرف
کارگر آماده کند. کارگر برای زنده ماندن به غذا،
به پوشاک، به نگهداری و گرم‌نگه داشتن خانه و

رسیدگی به فرزندان و ... نیاز دارد. اما کارفرما عملاً قیمت غذا در رستوران، قیمت پوشاک در فروشگاه و قیمت مسکن در مسافرخانه و هتل و قیمت اجیرکردن پرستار کودکان و ... را نمیپردازد. او قیمت نخود و لوبیا و گوشت، قیمت کرباس و پشم و اجاره یک اتاق خالی را پرداخت میکند اما تبدیل نخود و گوشت و لوبیا به آبگوشت، پارچه و پشم به لباس و تبدیل چهار دیواری به محمول نگهداری فرزندان و ... همه کارهایی است که زن خانه بایدا انجام دهد. انجام شدن همه این کارها لازم و ضروری است اما در این میان برای زن مزدی در کار نیست. بله، کارخانگی بیگاری است و هیچ جا بحساب نمی آید. درجا معسر مایه داری این وظیفه بردوش زنان گذاشته شده و علاقه و وابستگی عاطفی زنان به همسر و فرزندان را مایه یک عمر خدمتکاری، بندگی و انجام کارهای شاق میسازند. در غیر این صورت سرمایه داران مجبورند خانه خوب، امکانات و تسهیلات لازم برای کارگران و سایر

نیروهای شاغل در جامعه تهیه کنند، سالن های غذاخوری ایجاد کنند، مهدکودک، کودکانستان و شیرخوارگاه بسازند و کلیه کارهای بی اجرومزد زنان در خانه را به خرج خودشان دهند و اینها همه خلاف منافع سرمایه داران در کسب سود هر چه بیشتر و استثمار کارگران است. اینجاست که مقام زن و مادر تقدیس میشود و بهشت آسمانی زیر پای مادران قرار میگیرد. زن در خدمت نیازهای سرمایه به خدمتکارخانه تبدیل میگردد. بهمین خاطر است که نظام سرمایه داری، نظام موجود خانواده را تا آنجا که بتواند حفظ میکند و مرد را برای حفظ بردگی زن در خدمت سرمایه برتری میدهد. از نظر عموم مردم یعنی شوهران، پدران و برادران زنان کارگر، کارخانگی بر اساس عواطف و علائق زنان و بمعنی رسیدگی به همسر و فرزندان و پرورش و بزرگ کردن فرزندان و خانواده است اما در واقع کارخانگی در خدمت سرمایه داران و برای پرورش و آماده بکار کردن نسل فردای کارگران و زحمتکشان

است و این عاملی است که انجام مداوم و بیچون و
چرای کارخانگی را برای زنان طبیعی و عادی
مبیسازد.

خلاصه اینکه کارخانگی زنان یک پایه^۶ ستمکشی
آنان در جامعه سرمایه داری است. از طرفی کاری
که میلیونها زن کارگرو زحمتکش هر روز از طلوع
آفتاب تا شب انجام میدهند بیگاری است در
خدمت سرمایه داران برای تامین بخشی از معیشت
خانواده و از طرف دیگر اینکار ضروری است تا نیروی
کار شاغل جامعه بتواند توان از دست رفته خود را
باز تولید کند و آمده انجام کار برای فردا بشود.
همچنین نیروی کار فردا، فرزندان که باید جای
پدران در تولید را پر کنند، مراقبت و نگهداری
شوند.

هنگامی که سرمایه داری در دوران بحران
یعنی کساد و رکود اقتصادی قرار میگیرد، منطق
سرمایه حکم میکند زنان از محیط های کار و کارخانه
ها بخانه برگردند، مهد کودک ها و کودکستانها

تعطیل شوند، آشپزخانه‌ها و رستورانها برچیده شوند و وظایفشان مجدداً به زنان درخانه‌ها محول شود و سرمایه‌هایی که به این قبیل کارها اختصاص داده شده بودند در خدمت نجات سرمایه‌داری از ورشکستگی درآیند. بنا براین از کارراندن و موج‌اخراج و بیکارسازیهای زنان کارگرو زحمتکش برای بورژوازی بیکار کردن آنها نیست، بلکه طولانی‌تر کردن کار بی‌اجرو مزدآنان یعنی کارخانگی آنانست و از جانب دیگر بستن مهدکودکها، شیرخوارگاهها، کودکانها، آشپزخانه‌ها و رستورانها در محیط‌های کارگامی است در جهت تشدید کار این بردگان بی‌اجرو مزد!

اینهاست آن منافع‌های اقتصادی که حمله به زنان را در مقایسه با مردان برای بورژوازی مطلوب‌تر میکند.

از همین جا پاسخ خود را به این سؤال که چرا جمهوری اسلامی سرسختانه برای قوانین اسلام دربارهٔ زنان پای می‌فشارد را درمی‌یابیم،

واضح است که بازگرداندن زنان بخانه‌ها و
وادار ساختن آنان به اطاعت از قوانین اسلامی
اقدامی در جهت پاسخگویی به این نیاز واقعی
بورژوازی است و تلاش سرسختانه جمهوری اسلامی در
اجرای قوانین اسلام به همین خاطر است و مذهب
بعضیان و ماننده همیشه به طبقات حاکم خدمت میکنند.
سرما بیه داری با تکیه به مذهب، ستمکشی زنان را
موجه و عادی میسازد و ستمکشی زنان ریشه در نظامی
دارد که بر بنیاد بر دگی مزدی انسانها بنا شده است.
زنان علاوه بر نابرابریها و تبعیضاتی که در
جامعه با آن روبرو میشوند با تمام رنج و مشقتی که در
کارتولیدی و کارخانگی با آن دست به گریبان اند،
در خانواده از جانب مردان، شوهران و برادران
خود بر آن ستم روا داشته میشود.

متأسفانه بسیاری از مردان در خانواده با
زنان چنان رفتار می کنند که گویی اعمال این
ستم و نابرابریها بر زنان ازلی وابدی است. کم
نیستند مردانی که ذاتاً خود را برتر از زنان میدانند

و با زنان نیز چنان رفتار می کنند که فرودستی و نابرابری و تبعیض در مورد خود را ناشی از فطرت و جنسیت خود بدانند. با زنان مانند انسانهای کم عقل که کفایتی در اداره زندگی و کار اجتماعی ندارند، رفتار می کنند، زنان هنگام راه رفتن با دید بچه به بغل پشت سر شوهرانشان راه بروند، بر سر یک سفره با آنان غذا نخورند، از حاکم ملکی، زایمان، بیماریهای زنان و ابراهیمه اینها شرم داشته و آنان را پنهان کنند. در مقابل اعتراض آنان بسوی بیحقوقیها و رفتاری طلبانه مردان، تحقیق شوند، بابتی تفاوتی و حتی کتککاری روی رو برو گردند. کارشاق و زندگی پر مشقت کارگران کوره خانهها را در نظر بگیرید. زنان کارگر کوره علاوه بر انجام کار سخت و سنگین در کوره، انجام کلیه کارهای خانه را بر عهده دارند از پختن نان تا شستن ظرف، لباس، تمیز کردن خانه، نگهداری از بچهها، فراهم کردن وسایل استحمام همه افراد خانواده بعهده زنان است. زنان حامله هم کلیه این

کارها را با بیدانجام دهند و هیچ فرقی با سایر زنان ندارند. در آخرین ماههای حاملگی قالبهای ۱۲ کیلویی خشت را تا فاصله ۵۰ متری و ۱۰۰ متری حمل می کنند، کارشاق خانگی را انجام میدهند و بدلیل همه اینها میزان مرگ و میر در میان زنان کارگرا مله و نوزادانشان بسیار بالاست. اما زنان با همه رنج و زحمتی که در کنار کوره و کارخانه متحمل میشوند، بسیار بی حقوق اند. اگر کارخانه را خوب انجام دهند از جانب مردان (پدران و شوهران خود) تحقیر و گاه کتک کاری میشوند. نباید برای خرید و گردش به شهر بروند، نمی توانند برای حتی با سایر کارگران همکارشان صحبت کنند و مرادات اجتماعی داشته باشند، اجازه رفتن به کوره های دیگر را ندارند. در هنگام مبارزه و در موقع تصمیم گیری بر سر مسایل و مبارزاتشان حق تصمیم گیری ندارند، در رای گیری شرکت نمی کنند و مردان بجای آنان تصمیم میگیرند. در نظام سرمایه داری و تحت حاکمیت دولتهای

سرما بیه داری با زنان مانند نیمه انسان رفتار
میشود و بردگی زنان در خدمت سودرساندن بیست
سرما بیه ابقاء و تحکیم میشود و در خانواده‌ها نیز با
زنان چنین رفتار میشود. مردان یعنی شوهران ،
بوادران و پدران ، خود ، بخوبی آگاهند که بدون
زنان ، بدون کار و شرکت زنان در تولید ، در جامعه
و در خانواده چرخ زندگی نخواهد چرخید. زنان
مانند یک پای اصلی حیات ، تولید و زندگی
اجتماعی در صحنه حاضرند و گردش زندگی به آنان
متکی است اما با همه اینها زنان را مورد بی
تفاوتی ، تحقیر و کتک‌کاری قرار داده و بر آنان ستم
روا می‌دارند ، آنها را ضعیف می‌پندارند و در
مقابل بی حقوقی و تبعیضاتی که در حق زنان اعمال
میشود کمترین حساسیتی نشان نمی‌دهند .

کم نیستند زنان و دخترانی که بدلیل ستم‌هایی
که مردان در خانواده بر آنان روا می‌دارند ، عرصه
زندگی بر آنان تنگ میشود. ازدواج اجباری ، قلدر

منشی پدر، برادر شوهر، کنکاری هر روز و محرومیت های مختلف اجتماعی آنان را به فرار، تباهی و خودکشی وا میدارد.

هرچند که سازمان اجتماعی کار و مجتمع های بزرگ کارگران در کنار هم و شرکت زنان در همه امور و انواع مشاغل بخودی خود بسیاری را از راه مشا هده و تجربه قانع میکنند که بسیاری از آموزشهایی که از جامعه در مورد فرودستی زنان و ناتوانی آنان شنیده و باور کرده اند یا وهای بیش نیست. اما تنها کسانی قادرند خود را کاملاً از چنگال این توهمات تخیلی برهانند که عمیقاً به چند و چون آنها آگاه شده باشند. اما بهر حال این اعتقادات وسیعاً در میان ما وجود دارد. چنانکه گفتیم نابرابری ذاتی و ازلی و ابدي زنان یا وهای بیش نیست و زنان گذشته از این که در همه عرصه های زندگی تولیدی و اجتماعی شرکت مستقیم دارند، در مبارزاتشان برای درهم شکستن این بندهای اسارت و بردگی بیش از پیش توانایی خود را

نشان داده‌اند . اکنون دیگر حتی مردانی که
بشدت تحت تاثیر فرهنگ برتری طلبانه مردانه
(که سرمایه‌داری آن را ابقاء و تحکیم میکند)
قرار دارند ، نمی توانند نقش زنان در پیشبرد
مبارزه برای تحقق مطالبات و خواسته‌های خود را
انکار کنند ، شرکت وسیع توده‌های زنان در مبارزه
انقلابی برای سرنگونی رژیم سلطنت ، پافشاری
زنان در مقابل رژیم جمهوری اسلامی برای دفاع
از حقوق خود ، حجاب اجباری و هجوم او باش بانند
سیاهی حکومت اسلام ، شرکت وسیع و موثر زنان در
مبارزه علیه سر با زگیری ، بسیج رژیم ، مقابله با
تضییقات جنگی رژیم ، مبارزه و مقاومت در محیط
ها و مراکز کارگری ، شرکت موثر رهبری زنان
در مبارزات محلات کارگری و زحمتکش نشین شهرها ،
همه و همه نشانه‌های انکارناپذیر بیداری زنان
و پای فشردن آنان بر حقوق خود بعنوان نیمه
جامعه است .

چنانکه گفتیم نظام سرمایه‌داری مرد را

برای حفظ پردگی زن در خدمت سرما به، برتری میدهد. بنا بر این در همه جا بورژوازی حمله به کارگران و زحمتکشان را با حمله به زنان آغاز میکند چرا که میتواند از تمام پلانت و گراپشات برتری طلبانه بخشی از آنان (کارگران) در خدمت پیشبرد مبارزه‌اش بخوبی استفاده کند. در واقع بورژوازی با هدف قرار دادن زنان به منافع کل کارگران و زحمتکشان حمله میکند اما در عین حال بخشی از همین کارگران و زحمتکشان را به هم‌دستان خود بدل میکند تا عملاً بر ضد منافع خودشان وارد عمل شوند و یا لاقلاً بر ضد او وارد عمل نشوند. آن برتری و امتیازی که سرما به داری به خاطر حفظ منافع سرما به مردان اعطا کرده عاملی میشود که با اتکاء به آن کارگران مرد را در روی زنان کارگر قرار دهد و یا لاقلاً حق السکوتی میشود که مردان کارگر را وادار به سکوت در مقابل یورش به زنان می‌نماید! تبلیغاتی که بر ضد زنان و در جهت تحقیر آنان و اثبات برتری مرد صورت می‌گیرد

و در واقع تحریک هرچه بیشتر مردان به استفاده از امتیازات اعطایی شان در خدمت منافع سرمایه است. تبلیغ برتری مرد و فرودستی زن تبلیغی است در خدمت شکاف انداختن در صفوف کارگرانی که با بیدهمه شان برای رهایی از کلیه مصائب این نظام متحد شوند.

مشابه این سیاستهای تفرقه افکنانه را در موارد دیگری هم مشاهده می کنیم. همه بخاطر دارند که جمهوری اسلامی برای کم کردن فشار مبارزات کارگران بیکار سعی داشت کارگران ایرانی را بچنان کارگران خارجی بیاندازد و آنها را عامل بیکاری وانمود سازد!

جمهوری اسلامی سعی داشت که جزئی از طبقه کارگر جهانی را یعنی بخشی از ارتش دشمنانش را با اتکاء به نیروی بخشی دیگر از دشمنانش بسازد. موقعیتی پابین تر براند. این تنها مختص جمهوری اسلامی نیست. تمام دولتهای مدافع سرمایه از تعصب، جهل و تحمیق توده ها در خدمت به

منافع خود بهره میگیرند و در میان کارگران شکاف ایجاد می کنند .

در کشورهای اروپایی و آمریکا سرمایه داران سعی دارند کارگران بومی را علیه کارگران مهاجر بسیج کنند . در آمریکا سرمایه داران سعی دارند کارگران سفید پوست را با اتکا به برتریهایی که به سفیدپوستان اعطا شده بر علیه کارگران سیاه پوست تحریک کنند و ... ما میگوییم "کارگران جهان متحد شوید!"

در سراسر جهان بورژوازی سعی دارد در میان کارگران تفرقه بیندازد ، این تنها مختص بسوی جمهوری اسلامی نیست ، ویژگی جمهوری اسلامی اینست که تبلیغات و اقدامات ضد کارگری خود را تحت پوشش تبلیغات و فعالیت های مذهبی قرار می دهد و از جهل و نادانی کارگران بیعنی از احساسات مذهبی آنها هم در خدمت این هدف شوم خود بهره می گیرد ، بنا بر این هر کارگر مردی که تبعیض علیه زنان را بپذیرد و از امتیازاتی که

نظام سرمایه‌داری بخاطر حفظ منافع سرمایه به او اعطا کرده است در خدمت انقیاد هر چه بیشتر زنان و تحمیل موقعیت پست تر به آنان استفا ده کند به نفع بورژوازی و بر ضد منافع کل طبقه کارگر عمل میکند، هر اندازه هم که خود او در شورا و سندیکا و سازمان مخفی و کمونیستی اش بر علیه سرمایه‌داری بجنگد و شعار دهد و مبارزه کند تغییری در این واقعیت نمی‌دهد که او در جبهه‌ای دیگر همدست بورژوازی است همانطور که کارگران سفید پوست و نژاد پرست چنین اند.

حاصل نفوذ این تفکر غلط یعنی اعتقاد به فرودستی زنان در میان کارگران، آنجا که صحبت از مبارزه برای حقوق زنانست بطور مستقیم کاهش یافته فاحش‌ها و طلبین شرکت فعال در مبارزه است. بعبارت دیگر اگر مثلاً مساله پرداخت دو تومان دستمزد اضافی باشد کارگران جرات و شهامت وانگیزه شرکت در مبارزه را ندارند اما اگر مساله، مساله زنان باشد، نه! هر کارگری

میتوانند نمونه های زیادی از این طرز تفکر را در زندگی و خانواده اش پیدا آورد. اینها برای ما ضعف است، اینها نشان دهنده کمبود آگاهی طبقاتی در میان کارگران است. اینها نشان دهنده اینست که رفقای کارگر ما فراموش کرده اند هر تومانی که از حقوق کارگری کم میشود (چه کارگر زن و چه مرد) یک نان دیگر از غذای بخور و نمیر فرزندان ما کم شده است. میتوان دید در میان کارگران بسیاری را پیدا کنید که کاملاً به تساوی حقوق و برابری زن و مرد از دعوت دارند اما فی المثل در کساکش دعوی کارفرما و زنان کارگر در کارخانه در کناری می ایستند و حساسیتی چندانی نشان نمی دهند و می گویند تعداد زنان کارخانه کم است و این مسأله را نباید اینقدر کس داد. بنا بر این با سرسختی نشان دادن و مبارزه را به جاهای پر درد سر کشاندن مخالفت میکنند. در مقابل این نوع نگرش ها باید بعداً سری و طبقاتی مسأله را گوشزد کرد. این نگرش ها در میان

کارگران غلط و غیرطبیقاتی است. دشمنان ما (سرما بیه داران) اینگونه محدودیت‌ها را علیه "زنان" اعمال میکنند، و هیچکس نباید این را فراموش کند.

کارگران باید بدانند که ره‌های زنان امر آنان است. کارگران باید بدانند که بردگی در خانه و اجتماع بردگی طبقه را تشدید خواهد کرد و ادامه خواهد داد. کارگران باید بدانند که حمله به حقوق مسلم زنان و تبعیض علیه آنان حمله‌ای مستقیم به طبقه کارگر است. کارگران باید بدانند که دفاع از حقوق زنان و مبارزه علیه تبعیض بر اساس جنسیت مستقیماً مبارزه‌ای در جهت تقویت ارتش پرولتاریا و لذا وظیفه همه آنان است. کارگران باید بدانند که اقداماتی که علیه زنان صورت می‌گیرد در خدمت تأمین منافع سرما بیه است. مردان کارگر باید بدانند که نباید بهیچ وجه در دامی که دشمنان طبقه کارگر گسترانیده اند بیفتند و به‌همدستان آنان در تحمیل محرومیت و بی‌حقوقی

به زنان تسدیل شوند .

هرکارگری با یدبدا ندکه منافع کل طبقه ما (طبقه‌ای که متشکل از خانواده‌های ما با اعضا آن است) در مقابل منافع طبقات استثما رگر قرار داده و هر اندازه که او به لحاظ تفکر و اعتقادش در میان هم طبقه‌ای‌ها پیش‌فرق قایل بشود، زنان را پائین‌تر بداند، حساسیتی در مقابل دفاع از حقوق زنان و برابری زنان با مردان نشان ندهد، بهمان اندازه به دشمنان خود خدمت کرده است . نیروی طبقه ما در کثرت آن درجا معه است و زنان نیمی از ما را تشکیل می‌دهند، کوچکترین تعرضی به زنان، تعرض به طبقه کارگر است و هیچکس نباید فراموش کند که "ما" نصف مان زن است . کارگران با ید بین الفبای اتحاد را بیا موزند و با اعتقاداتی که در صفوف کارگران (چه زن و چه مرد) در مورد فرودستی زنان و برتری مردان وجود دارد، مبارزه کنند . سرنوشت آزادی زنان به پیروزی طبقه کارگر گره خورده است . این فعالیت کمونیست‌ها و کارگران

آگاه در میان طبقه کارگر و تلاش شبانه روزی این طبقه است که سرنوشت آزادی زنان را در کشور ما رقم خواهد زد.

طبقه کارگر باید خواستار تساوی کامل حقوق زنان و مردان باشد. پرولتاریا خواهان رفع هرگونه تبعیض و ستم طبقاتی، ملی، مذهبی و جنسیتی است. طبقه کارگر خواهان جدایی کامل مذهب از دولت و پرچمدا ریگیترین و کامل ترین دمکراسی است.

کارگران باید خواهان برابری کامل زن و مرد در همهٔ وجوه زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باشند. از نظر کارگران، زنان باید حق کار کردن و دستیابی به همهٔ مشاغل را داشته باشند و قوانینی که میان زن و مرد تبعیض قایل می شوند باید لغو گردند. کارگران باید خواهان این باشند که زنان در مسایل مربوط به خانواده، در امر ازدواج، طلاق، سرپرستی اطفال و... حقوق کامل برابری بسا مردان داشته باشند. شرکت در امور سیاسی، تصمیم

گیری، انتخاب کردن و انتخاب شدن حق زنان است و طبقه کارگر با یخواهان برسمیت شناختن این حق زنان باشد. طبقه کارگر خواهان تامین حقوق مادری و دستمزد برابر با مردان در ازااء کار برابر است. در یک کلام کارگران خواهان رفع هرگونه تبعیض و نابرابری در رابطه با زنان و خواستار تساوی کامل زنان با مردان و از میان برداشتن این موانع و تبعیضات اند.

ما کمونیستها - همواره علل فرودستی و تحقیر زنان در نظام سرمایه داری را توضیح داده ایم و همه کسانی را که خواهان تساوی واقعی حقوق و برابری همه انسانها مستقل از جنسیت (زن یا مرد بودن) نژاد، مذهب و ملیت شان هستند بده مبارزه برای سوسیالیسم فراخوانده ایم. ما کمونیستها نقش مذهب در تحکیم و توجیه ستمکشی زنان را بارها افشا کرده ایم. از نظر ما زن و مرد باید در همه عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نه تنها به حقوق برابر بلکه به برابری

واقعی برسند. همه^۶ زنان و مردان آزاده^۶ کردستان
پافشاری کومه‌له برقاثل شدن و به رسمیت
شناختن حقوق برابر برای زنان را بارها دیده ،
شنیده و تجربه کرده اند. تلاش برای برسمیت
شناختن حق زنان در ازدواج ، طلاق و . . . ، تلاش
برای دامن زدن به شرکت زنان در مبارزه ، متشکل
و مسلح شدن زنان و تثبیت این سنت ها ، حمایت و
پشتیبانی از زنانی که حقوق انسانی شان مورد
تجاوز قرار گرفته و کوشش برای درهم شکستن سنن و
فرهنگ ارتجاعی که زنان را فقط به چشم دستگاہ
تولید مثل یا مستخدم خانه چه در کارخانگی و چه در
امور بیرون از خانه می نگرد ، همگی کومه‌له را به
مرجع بیداری و آگاهی زنان و پشتیبان و مدافع
پیگیر زنان تبدیل ساخته است . آزادی و بیداری
زنان ، شرکت وسیع آنان در عرصه های مختلف
مبارزه پابپای مردان ، مسلح و متشکل شدن آنان
در صفوف کومه‌له ، همه و همه بانام کومه‌له درهم
آمیخته است و نفرت ارتجاعیون و مدافعتین طبقات

دارا از کومه‌له نیز از همین جا است .

کومه‌له‌خواهان تساوی حقوق زنان و مردان است . کومه‌له‌خواهان جدایی کامل مذهب (بعنوان عامل تحکیم کننده^۶ ستمکشی زنان) از دولت است و مبارزه وسیع علیه آرافکار سرمایه‌داری را وظیفه خود میداند . کومه‌له‌خواهان حق کارکردن و دستیابی زنان به همه^۶ مشاغل و خواستار حق برابر برای زنان در امر ازدواج ، طلاق ، سرپرستی اطفال و خواستار تساوی حقوق زنان در امور سیاسی و انتخاب کردن و انتخاب شدن و تصمیم‌گیری در مسائل سیاسی با مردان است . کومه‌له‌خواهان تا مین حقوق مادری برای زنان است ؛ یعنی اینکه هر زن کارگرو زحمتکش باید در طول دوران حاملگی و زایمان از امکانات زیستی و غذایی کافی برخوردار باشد . از ۱۶ هفته مرخصی دوران زایمان استفاده کند ، بطور رایگان و با استفاده از امکانات درمانی دولتی زایمان کند ، تغذیه فرزندش را جامعه بعهده بگیرد و برای پرورش

فرزندان کارگران ، دولت باید شیرخوارگاه ،
پرورشگاه و مهدکودک ایجاد کند .

ما کمونیستها خواهان آن هستیم که زن و مرد
از امکانات ، شرایط و حقوق برابر برای رشد
و پرورش قابلیت های خود برخوردار شوند .

نظام سرمایه داری از اساس با برابری و
رهایایی زنان در تناقض است و ستمگشی و فرودستی
زن با حفظ و بقای این نظام استثمارگر پیوند
دارد . برای دستیابی به برابری واقعی و محقق
ستمگشی زن با بدین نظام را از بین و بن ریشه
کن کنیم و نظام دیگری بر ویرانه های آن بنا
کنیم . نظامی که نه بر اساس استثمار و فقر بخشش
و سعی از افراد جامعه بلکه برتامین نیازهای
اقتصادی و اجتماعی کلیه افراد و احاد جامعه قرار
داشته باشد .

بنا و استقرار این نظام و برقراری حکومت
کارگری تنها بدست طبقه کارگران امکان پذیر است .
تنها راه مبارزه قطعی برای رهایایی زنان ،

سرنگونی نظام استثمار گرسرمایه داری و برقراری
آزادی ، برابری و حکومت کاریگری است .

۵۰ ریال

انتشارات مرکزی کومه له